

دعای علی شریعتی

چند روز پیش در حال جستجو در اینترنت بودم، که بناگاه در تارنمای حضرت آخوند روشنفکر! حجت الاسلام محمدعلی ابطی رئیس مرکز گفتگوی ادیان جمهوری اسلامی گرفتار شدم. چشمم به دعایی افتاد که از فیلسوف بلند پایه شیعه! و ایدئولوگ انقلاب اسلامی دکتر علی شریعتی بود که پیش از رخداد سال ۵۷ در حق ملت ایران کرده بود. این همان آقای دکتر بود که گفت فاطمه، فاطمه است نمیدانم شاید فکر می کرد مثلا فاطمه ممکن است علی اصغر باشد!

من تلاش کردم که این دعای پر از راز و رمز ایشان را در یابم، و دریا فتهایم را در برابر هر بند این دُعا نوشته ام.

ای خداوند! به علمای ما مسنولیت، (یعنی شغل رهبری و ریاست و وزارت و ...)

و به عوام ما علم، و به مؤمنان ما روشنایی، (یعنی همه امت را به درجه آخوندی برسان چون بر پایه اعتقادات اسلامی و شیعه، علم درید علما یعنی آخوند ها می باشد. تجسم کنید که همه مردم ایران آخوند باشند البته بجز مؤمنان که منظورشان زنان می باشد، که از خدا می خواهد که به آنها روشنایی بدهد و منظورش زیبایی و تودل برویی برای تمتع علما)

و به روشنفکران ما ایمان، و به متعصبین ما فهم، (یعنی به روشنفکر که باید خردگرا باشد ایمان یا اطاعت کورکورانه از خرافات بده! به متعصبین فهم بده، یعنی متعصب نافهم است و در پائین می گوید به فهمیدگان ما تعصب یعنی به فهمیدگان ما نفهمی بده)

و به فهمیدگان ما تعصب، و به زنان ما شعور، و به مردان ما شرف، (یعنی فهمیدگان ما را نفهم گردان و زنان ما بی شعور هستند و مردان ما بی شرف، عجب امتی دارد این دین مبین!)

و به پیروان ما آگاهی، و به جوانان ما اصالت، (پس پیروان اسلام ناآگاه می باشند! جل الخالق از اینهمه نادانی ارثی، آنهم پس از ۱۴۰۰ سال!! و جوانان ما هم بی اصل و نسب و از زیر بته عمل آمده اند)

و به اساتید ما عقیده، و به دانشجویان ما نیز عقیده، (منظورش عقیده به اسلام، یعنی اجرای بی چون و چرای هر چه که از آسمان نازل شده و در حقیقت مخالفت با علم و دانش. خوب پس دانشگاه به چه درد می خورد بهتر است درس را ببندند، که دیدیم بستند و محل نماز یا قمبل الفنگ بسیجیان شد! در ضمن می توانست یکباره بگوید، به اساتید و دانشجویان ما عقیده! آقای دکتر بزبان فارسی هم رحم نکردند.)

و به خفتگان ما بیداری، و به دینداران ما دین، (بیچاره خفتگان که حداقل آسوده از این جنجالها بودند و از فرط خستگی بخواب رفته، ببخوابی بده و سپس بیماری و جنون در پی ببخوابی. و معلوم شد که دینداران ما هم بی دین می باشند، حتما کافران در این کشور دیندارند)

و به نویسندگان ما تعهد، و به هنرمندان ما درد، و به شاعران ما شعور، (تعهد، یعنی به نویسندگان ما وابستگی به استبداد دینی بده، البته منظور واقعی ایشان (تعبد) است و به هنرمندان ما که از درد های بی شمار حال و رمق ندارند، شکنجه و زندان، و همانگونه که در قرآن هم نازل شده، شاعران هم بی شعور و دیوانه هستند!)

و به محققان ما هدف، و به نومیدان ما امید، و به ضعیفان ما نیرو، (پس این محققان بزرگ اسلام معلوم نیست که در چه جهتی تحقیق می کنند و با نوشتن رساله های چند صد صفحه ای وقت خود و خوانندگانشان را بیهوده بهدر می دهند، و سر نومیدان را هم کلاهی به بزرگی انقلاب اسلامی بگذار و ضعیفان ما هم به درجه مستضعفی رسیدند، یعنی معلول روانی و جسمانی)

و به محافظه کاران ما گستاخی، و به نشستگان ما قیام، (همان گستاخی و قیامی که در سال ۵۷ بر پا شد و چه بر سر ایران آمد)

و به راکدان ما تکان، و به مردگان ما حیات، و به کوران ما نگاه، (در اینجا می خواهد که یکبار دیگر عیسی از آسمان به زمین فرود آید و همه را شفا دهد، مسلمانان را بجای محمد بدنبال عیسی میفرستد!)

و به خاموشان ما فریاد، و به مسلمانان ما قرآن، (منظورش همان اکثریت خاموش است که بدنبال انقلاب نبودند ولی پس از انقلاب فریادشان از بیدادگری در آمد، و معلوم شد که مسلمانان ما هم از قرآن چیزی سرشان نمی شود. عجب مسلمانانی!)

و به شیعیان ما علی، و به فرقه‌های ما وحدت، (اینجا یادش رفت که از امام حسین نام ببرد، چون ستون‌های شیعه بر داستان کربلا بنیان گذاشته شده اند و اعتراف می کند که اینها دارای وحدت نیستند، و هر کدام ساز خود را می نوازند، و بیچاره امت شیعه که باید همه گونه رقص را فرا گیرند تا بتوانند با این همه نوا‌های مخالف برقصند)

و به فحاشان ما ادب، و به مجاهدان ما صبر، و به مردم ما خودآگاهی، (پس چه کسانی بالای منبر بروند؟!، و مجاهدت در اسلام به معنی جهاد، یعنی کشتن مخالفین و غارت زنان و کودکان و اموال آنان و خوب بنابراین اگر مجاهدان صبر کنند و جهاد نکنند، پس درد شکم و زیر شکم خود را چگونه درمان کنند؟ و دیگر اینکه بمردم ما خود آگاهی یعنی خرد بده!، اگر مردم ما خرد داشتند و یا خرد مند بشوند که دیگر به این خُرَعِبَلات گوش فرا نمی دهند)

و به همه ملت ما همت تصمیم، و استعداد فداکاری، و شایستگی نجات و عزت ببخش! (این دعا ها ادا شد چون ملت یا بهتر بگوییم امت، تصمیم به نابردی دسته جمعی گرفتند و فداکاری کردند و بجای چارپایان بر روی زمینهای مین گذاری شده رفتند و از دست آخوند ها نجات یافتند و در بهشت موعود در کنار حوریان و غلمان جای گرفتند و کشور ایران را با دلار های نفتی و دختران نوجوان به فحشا کشیده شده آن و منقل های تریاک برای آخوند ها و سپاهیان و بسیجیان واگذاشتند.)

پاریس ۲۵ بهمن ۱۳۸۵ برابر ۱۴ فوریه ۲۰۰۷
فرامرز دادرس

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>